DOI: Https://doi.org/10.22067/JLS.2023.78506.1349

با اسکن تصویر، می‌توانید این مقاله را در تارنمای مجله مشاهده نمایید. ←

نشریهٔ علمی جستارهای نوین ادبی، شمارهٔ ۲۱۹، زمستان ۱۴۰۱، صص ۷۷-۱۰۰
مقالهٔ پژوهشی

خیّام از نیشابور تا روم

(جایگاه خیام در ادبیات دیوانی ترک و ترجمه‌های ترکی رباعیات)*

تاریخ دریافت: ۰۸ شهریور ۱۴۰۱/ تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۴۰۱

فریبا شکوهی[۱]

چکیده

شهرت حکیم عمر خیام نیشابوری (۴۴۰- ۵۱۷ق) در منابع کهن بیشتر در مقام فیلسوف، حکیم، طبیب، عالم جبر و هندسه، ریاضی‌دان و منجمی پُرآوازه مطرح بود. اگرچه در برخی منابع سدهٔ ششم تا هشتم هجری رباعیاتی از خیام به عربی و فارسی نقل شده، اما آوازهٔ او در مقام شاعری رباعی‌گوی از اوایل سدهٔ ۱۹م/ ۱۳ق با ترجمهٔ فیتزجرالد انگلیسی آغاز می‌شود و به دنبال آن موجی از ستایش و استقبال از شعر و اندیشهٔ خیام در ایران و جهان غرب به راه می‌افتد. سرزمین آناطولی (ترکیهٔ امروزی) نیز از این موج بی‌نصیب نمی‌ماند. بیشتر شاعران ترک‌زبانی که از دورهٔ سلجوقی و به‌ویژه عثمانی شیفتهٔ زبان و ادب فارسی بودند و نیز شماری از ادیبان و شاعران نوگرای عصر جمهوری، متأثر از رباعیات و اندیشهٔ خیام، افزون بر ستایش او، به شیوهٔ خیام رباعی سرودند و یا رباعیات او را ترجمه کردند و بر آن شرح نوشتند. در این جستار حضور خیام و تأثیر رباعیات او در حوزهٔ آناطولی در سه بخش بررسی می‌شود: خیام و شاعران عثمانی؛ ترجمهٔ رباعیات خیام به زبان ترکی از آغاز تا کنون با تکیه بر ترجمهٔ حسین دانش و رضا توفیق؛ خیام از نگاه برخی منتقدان ترک.

کلیدواژه‌ها: خیام، رباعی، ترجمه، آناطولی، شاعران عثمانی.

---

* این مقاله به مناسبت انتشار ترجمهٔ رباعیات خیام به قلم حسین دانش و رضا توفیق با عنوان خیام نیشابوری، زندگی، افکار و رباعیات، ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی، تصحیح و تدوین مسعود جعفری جزی (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۴۰۰) نوشته شده است.

۱. استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران. E-mail: Shokuhifar666@gmail.com

۱. مقدمه

امروزه گرچه توماس هاید[1] (۱۶۳۶-۱۷۰۳م) شرق‌شناس انگلیسی را نخستین یادکنندهٔ خیام و رباعیات او (۱۷۰۰م) و یوزف فون هامر پورگشتال[2] (۱۷۷۴- ۱۸۵۶م) شرق‌شناس اتریشی را نخستین مترجم رباعیات خیام (۱۸۱۸م) به زبان آلمانی دانسته‌اند، اما آوازهٔ خیامِ شاعر به طرز شگفت‌انگیزی با ترجمهٔ آزادِ رباعیات خیام به قلم ادوارد فیتزجرالدِ[3] انگلیسی در ۱۸۵۹م/ ۱۲۳۸ش آغاز شد. ترجمهٔ فیتزجرالد چنان ستایش و استقبالی از شعر و اندیشهٔ خیام در پی داشت که بسیاری از شاعران و نویسندگان غرب و شرق و به‌ویژه ایرانیان[4] را به پژوهش دربارهٔ خیام و انتشار رباعیات او و غیر ایرانیان را به ترجمهٔ رباعیات او به زبان‌های گوناگون ترغیب کرد. ازجمله چالش‌های پیش روی پژوهندگان خیام عبارت بود از: شناخت و تفکیک گزارش‌های تاریخی و اصیل و روایت‌های افسانه‌ای دربارهٔ زندگی خیام؛ تفاوت میان خیامِ فیلسوف و دانشمند با خیامِ شاعر؛ جستجوی دلایل اصلی شهرت شگفت رباعیات خیام در جهان؛ تشکیک دربارهٔ انتساب رباعیات به خیام نیشابوری یا شخصی دیگر به همین نام؛ شناسایی قدیم‌ترین نسخه‌های رباعیات و طبقه‌بندی و تعیین رباعیات اصیل، الحاقی و منسوب به خیام[5] و انتشار نسخهٔ منقّح از رباعیات خیام و ترجمهٔ رباعیات. در این میان شاعران و ادیبان ترک به سبب نزدیکی زبان، خط و فرهنگ ترکیه در دورهٔ عثمانی به فرهنگ و خط و زبان فارسی، بیش از دیگران از ساختار و درونمایهٔ شعر خیام تأثیر پذیرفتند. ازاین‌رو، هنگامی‌که موجِ خیام‌پژوهی در اواخر سدهٔ ۱۹م/ ۱۳ق به آناطولی رسید، شاعران، علاوه بر بزرگداشت او در شعر خود، متن فارسی و ترجمهٔ شماری از رباعیات خیام را در شماره‌های مختلف جراید عثمانی نظیر اجتهاد، تورک یوردی (سرزمین ترک)،

---

1. Thomas Hide
2. Joseph von Hammer-Purgstall
3. Edward FitzGerald

٤. در ایران پیش از رواج شیوهٔ علمی تصحیح، مجموعه‌هایی مغشوش با نام رباعیّات خیّام وجود داشت، تا آنکه بیش از یک سده پس از ترجمهٔ فیتزجرالد (۱۲۸ سال)، نخستین بار صادق هدایت متن منقّحی از رباعیات خیام را با عنوان ترانه‌های خیام در ۱۳۱۳ش منتشر کرد و سپس محمدعلی فروغی و قاسم غنی شماری دیگر از رباعیات خیام را با استفاده از منابع کهن در ۱۳۲۱ش به چاپ رساندند و پس از آن پژوهشگرانی چون اسماعیل یکانی در عمر خیّام، نادرهٔ ایام (۱۳۴۲ش)، علی دشتی در دمی با خیّام (۱۳۴۴ش)، محمّدمهدی فولادوند در خیّام‌شناسی (۱۳۴۷ش)، جعفر آقایانی چاووشی در سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیّام نیشابوری (۱۳۵۸ش) و علیرضا ذکاوتی قراگوزلو همدانی در عمر خیّام نیشابوری، حکیم و شاعر (۱۳۷۷ش) به ارائهٔ نظرات خود دربارهٔ خیام پرداختند. جدیدترین و بهترین پژوهش و تصحیح انتقادی رباعیات خیام به کوشش سیدعلی میرافضلی بدین شرح منتشر شده است: رباعیات خیام در منابع کهن (۱۳۸۲ش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی)؛ رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی (۱۳۹۹ش، تهران: انتشارات سخن).

۵. میرافضلی (۱۴۰۰: ۱۲۹) با استفاده از سه معیارِ ارزیابی منابع و تواتر رباعیات، پالایش رباعیات خیام از سروده‌های دیگران و فرم چهار قافیه‌ای رباعیات، تنها ۲۰ رباعی را در شمار رباعیات اصیل خیام جای داده است.

جریدهٔ صوفیه، حیات و ادبیات عمومیه مجموعه‌سی منتشر کردند و بعدها پژوهشگران معاصر ترک، آثار بسیاری در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه در شرح‌حال خیام، ترجمه و شرح رباعیات او تدوین کردند. آشنایی با این آثار در پژوهش‌های خیام‌شناسی و در بررسی ترجمه‌های رباعیات و میزان تأثیر شعر و اندیشهٔ خیام بر شاعران سرزمین‌های دیگر بسیار ارزشمند می‌نماید.

۲. پیشینهٔ تحقیق

تا کنون مقاله‌های بسیاری دربارهٔ معرفی ترجمهٔ رباعیات خیام به زبان‌های اروپایی، عربی و حتی چینی و گرجی به قلم پژوهشگران ایرانی نوشته شده، اما پژوهشی مستقل دربارهٔ جایگاه خیام در ادبیات ترکیه و تأثیرپذیری شاعران آن دیار از خیام تدوین نشده و تنها به اشاراتی پراکنده در برخی آثار بسنده شده است. در زمینهٔ معرفی ترجمه‌های ترکی در آناطولی چند پژوهش بدین شرح در دست است: معرفی دوازده ترجمه در کتاب زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی نوشتهٔ محمد امین ریاحی (۱۳۶۹: ۲۲۰ پانوشت ۲) به نقل از کتابشناسی آثار، ترجمه‌ها و نشریات فارسی ایران منتشر شده در ترکیه[1]؛ ده ترجمه در کتابشناسی خیام به کوشش فاطمه و زهرا انگورانی (۱۳۸۱: ۲۳۹- ۲۴۰)؛ انتشار سه مقاله از رحیم رئیس‌نیا با عنوان «پیشینهٔ ترجمهٔ رباعیات خیام به ترکی و بازسرایی‌های یحیی کمال» نخست در همایش بین‌المللی پیوندهای زبان و ادب ایران و ترکیه در دانشگاه استانبول و سپس در شمارهٔ ۸۶ مجلهٔ بخارا (۱۳۹۱: ۶۱ -۷۱)، «پیشینهٔ ترجمهٔ رباعیات خیام به زبان ترکی»، شمارهٔ پیاپی ۱ فصلنامهٔ سفینهٔ تبریز (۱۳۹۵: ۲۱- ۳۱) و «ترجمهٔ رباعیات خیام به ترکی» در نشریهٔ جهان کتاب، س ۲۶، ش ۹ (۱۴۰۰: ۸ به بعد). از مقاله‌های دانشنامه‌ای نیز ذیل مدخل «خیام» در جلد ششم دانشنامهٔ ادب فارسی در آناتولی و بالکان زیر نظر حسن انوشه (۱۳۷۵: ۳۶۶- ۳۶۸) به شماری از ترجمه‌های ترکی اشاره شده است.

در ترکیه نیز تا کنون آثار بسیاری در قالب مقاله، کتاب، رمان و پایان‌نامه[2] دربارهٔ شرح‌حال و اندیشهٔ خیام و به‌ویژه

1. Türkiye'de basılmış Farsça eserler, çeviriler ve İran'la ilgili yayınlar bibliyografyası, Millî Kütüphane, Ankara 1971.

۲. در سال‌های اخیر چند پایان‌نامه نیز در دانشگاه‌های ترکیه با موضوع خیام و رباعیات او دفاع شده که حاکی از اهمیت شناخت این شخصیت برجسته در میان محافل دانشگاهی ترکیه است. از جمله، *عمر خیام و رسائل فلسفی او* (۱۹۹۹م)؛ *پرسش دربارهٔ گرایش به داستان‌پردازی در ارتباطات بصری از طریق شرح رباعیات عمر خیام با روش‌های ارتباطات بصری مدرن* (۲۰۲۰م)؛ *نمادهای عرفانی در شعر عمر خیام* (۲۰۲۰م)؛ *مطالعهٔ تطبیقی شعر*
(ادامهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد)

دربارهٔ مقام علمی او تدوین شده که معرفی و بررسی آن‌ها در این جستار ممکن نیست. دربارهٔ معرفی ترجمه‌های ترکی رباعیات خیام نیز چند کتاب و مقاله به زبان ترکی استانبولی در سال‌های اخیر به چاپ رسیده که از منابع این پژوهش است[۱]. مدخل «عمر خیام» در دانشنامه‌های ترکی نیز که پیشتر به قلم ولادمیر مینورسکی[۲] شرق‌شناس روس در جلد نهم دائرة المعارف اسلام (۱۹۶۴: ۴۷۲- ۴۸۰) نوشته شده بود، در جلد نهم دائرة المعارف اسلامی ترکی[۳] (۱۹۷۰م) باز نشر شد. همین مدخل بعدها به قلم دو تن از پژوهشگران ترک در دو بخش نوشته و در جلد ۳۴ دانشنامهٔ اسلام (آنکارا ۲۰۰۷: ۶۶- ۷۰) منتشر شد: بخش نخست: چهرهٔ علمی خیام به قلم یاووز اونات[۴] (۶۶- ۶۸) و بخش دوم: چهرهٔ ادبی خیام و ترجمهٔ رباعیات او به زبان ترکی به قلم حجابی کرلانقیچ[۵] (۶۸- ۷۰).

با توجه به آنچه گفته شد، تا کنون جز اشارات پراکنده، پژوهشی مستقل در ایران دربارهٔ جایگاه خیام در شعر شاعران عثمانی انجام نشده است. دربارهٔ ترجمه‌های رباعیات خیام در ترکیه نیز در برخی مقاله‌ها تعدادی از این ترجمه‌ها نام برده شده و در یک مورد یعنی مقالهٔ رئیس‌نیا پس از اشاره به نخستین ترجمهٔ رباعیات در ترکیه و نیز ترجمهٔ دانش و توفیق، بر معرفی ترجمهٔ منظوم یحیی کمال بیاتلی تأکید شده است. نگارنده در این جستار کوشیده است نخست تأثیر خیام بر شعر شاعران آناطولی و دیدگاه محققان برجستهٔ ترک را دربارهٔ خیام و شعر او بررسی و ارزیابی کند و افزون بر این فهرستی جامع از ترجمه‌های رباعیات خیام به زبان ترکی در ترکیه ارائه دهد. این ترجمه‌ها بر پایهٔ منابع متقدم و تحقیقات نوین پژوهندگان ترک گردآوری و به ترتیب تاریخی از آغاز تا کنون معرفی شده است. بی‌شک

خیام و پرسی بیس‌شلی (۱۷۹۲- ۱۸۲۲م) غزل‌سرای انگلیسی (۲۰۲۱م)؛ *رباعیات عمر خیام* (تحقیقی دربارهٔ ترجمهٔ حسین دانش)(۲۰۱۲م)؛ *مقایسه‌ای میان چهارپاره‌های خیام و ابوسعید ابوالخیر با قاضی برهان‌الدین و نسیمی* (۲۰۲۱م).

۱. شایستهٔ یادآوری است مقالهٔ «رباعیات عمر خیام در زبان ترکی و رباعیات ترکی» نوشتهٔ سوتمان به زبان انگلیسی و با مشخصات زیر نیز در ۲۰۱۲م به چاپ رسیده است:

Sötemann, S., "Quatrains of ʿUmar Khayyām in Turkish, and Turkish Quatrains", *The Great ʿUmar Khayyām: A Global Reception of the Rubáiyát*, ed. A. A. Seyed-Ghorab, Leiden: 2012., 97- 10.

این کتاب با عنوان فیلسوف تودار و رباعیات بودار (پذیرش جهانی رباعیات حکیم عمر خیام) به قلم مصطفی حسینی به فارسی ترجمه و از سوی نشر هرمس در ۱۳۹۹ش به چاپ رسیده است. سوتمان ضمن اشاره به پرهیز شاعران عثمانی از سرایش رباعی، ترجمهٔ رباعیات خیام به قلم یحیی کمال بیاتلی را ستوده است.

2. Minorsky.
3. *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*
4. Yauz Unat
5. Hicabi Kırlangıç

بررسی تحلیلی هر یک از این ترجمه‌ها نیازمند پژوهشی مستقل است و این جستار گامی است کوچک با هدف آشنایی محققان فارسی‌زبان برای شناخت بیشتر تأثیر خیام بر شاعران عثمانی و تاریخچهٔ ترجمهٔ رباعیات خیام به زبان ترکی.

۳. خیام و شاعران عثمانی

دیوان شاعران عثمانی منبع اصلی برای بررسی حضور و تأثیر خیام در شعر شاعران متقدم آناطولی است. زبان فارسی که از دوران سلجوقیان روم (حک: ۴۸۳- ۷۰۷ق/ ۱۰۷۷-۱۳۰۷م) در آناطولی ریشه دوانده بود، با تشکیل حکومت عثمانی (حک: ۶۹۸- ۱۳۴۱ق/ ۱۲۹۹-۱۹۲۳م) همچنان در کانون توجه سلاطین و ادیبان ترک بود؛ چنانکه بیشتر شاعران عثمانی از سدهٔ نهم و دهم قمری، زیر نفوذ تمدن و فرهنگ اسلامی ـ ایرانی و به‌ویژه ادبیات فارسی، به تقلید از شاعران نامدار ایرانی شعر می‌سرودند (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۹۷ به بعد)؛ اما در این میان، عمر خیام در میان شاعران عثمانی چه جایگاهی داشت؟ شهرت خیامِ شاعر در سرزمین آناطولی اگرچه با شهرت و نفوذ شاعرانی چون حافظ و سعدی و عطار و عرفی برابری نمی‌کند، اما وجود نسخه‌های متعدد از رباعیات خیام در کتابخانه‌های ترکیه و توجه شاعران و ادیبان عثمانی به شعر و اندیشهٔ خیام، بسیاری را به ترجمهٔ رباعیات او ترغیب کرد. حتی در عصر تنظیمات[۱] که شعر فارسی به دلیل تأثیرپذیری از تمدن و فرهنگ و ادبیات غربی با اقبال کمتر مواجه بود و نیز با اعلام جمهوری در ترکیه در ۱۳۰۲ش/ ۱۹۲۳ که خط ترکی استانبولی با الفبای لاتین به‌عنوان خط رسمی پذیرفته شد و شکل‌گیریِ ادبیات ملی ترک و حتی با وجود کم‌رنگ شدن فارسی‌گرایی و ایران‌گرایی در میان شاعران و ادیبان ترک، همچنان شعر خیام به دلیل آموزه‌های فلسفی و نگرش خاص او به زندگی و هستی با اقبال فرهیختگان جامعه و نمایندگان ادبی دورهٔ نوین مواجه بود. بدین ترتیب شاعران متقدم در دورهٔ ادبیات دیوانی[۲] با بهره‌گیری از قصیده و غزل، قالب متداول آن زمان، ستایشگر خیام بودند و به‌ندرت از رباعی که قالب ویژهٔ اشعارِ عامیانه و عرفانی بود استفاده می‌کردند. برخی از این شاعران در قصیده‌های مدحی درباری و در مقام مفاخره خویش را با خیام مقایسه می‌کردند و خود را «خیامِ روم»،

---

۱. نهضت نوگرایی و اصلاح‌طلبی در ساختار سیاسی ـ حقوقی، فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ عثمانی در سدهٔ ۱۳ق/ ۱۹م دورهٔ تنظیمات نامیده می‌شود. دوره‌ای که با فرمان «خط همایون» یا «فرمان تنظیمات خیریه» یا «خط شریف گلخانه» از سال ۱۲۵۵ق/ ۱۸۳۹م آغاز می‌شود و با دورهٔ قانون اساسی اول در ۱۸۷۶م به پایان می‌رسد.

۲. ادبیات دیوانی یا ادبیات اندرون یا کلاسیک دوره‌ای مهم در تاریخ ادبیات ترک است که ترکان پس از پذیرش اسلام هم از حیث ظاهر و هم از حیث محتوای آثار، زیر تأثیر فرهنگ و ادبیات ایران بودند. این دورهٔ تاریخی ۶۰۰ ساله از سدهٔ هفتم تا میانه‌های سدهٔ سیزدهم هجری را در بر می‌گیرد.

«خیامِ زمان»، «خیامِ ثانی» می‌نامیدند و شعرشان را با صفاتی نظیر «خیام‌صفت» و «خیام‌وش» توصیف می‌کردند (Çalka, 2015: 33) و برخی دیگر بدون ذکر نام خیّام، از جنبهٔ زبانی، فکری و ادبی سخت متأثر از شعر او بودند که بی‌گمان بیشتر رباعی‌سرایان ترک را در برمی‌گیرد. از آن جمله‌اند: نظیره‌های فارسی مصطفی عالی (درگذشت: ۱۰۰۸ق) تاریخ‌نگار، نویسنده و شاعر نامدار عثمانی بر رباعیات خیام در کتابی به نام بدیع الرقوم یا ربیع المنظوم (تألیف: ۱۰۰۲–۱۰۰۳ق)، نظیره‌های احمد ندیم (درگذشت: ۱۱۴۳ق) و سیدمحمد برهان‌الدین بلخی (درگذشت: ۱۳۴۸ق). شاعران و نمایندگان ادبیات جدید نیز تا پس از اعلام جمهوری بیشتر جذب نظام فکری خیام، شخصیت علمی و دیدگاه فلسفی او شدند و ازاین‌رو در شعر خود و حتی در ترجمه و انتشار رباعیات خیام، به مضامینی چون دم غنیمت‌شمری، خوش‌باشی و وصف می و معشوق بیشتر توجه می‌کردند.

پیش از بررسی دیوان شاعران عثمانی، باید گفت که تذکره‌نویسان ترک هرگز به خیام اشاره نکرده‌اند. چنانکه می‌دانیم این تذکره‌ها در شرح‌حال شاعران ترک نوشته شده است و از میان این تذکره‌ها، تذکرة الشعراء (تألیف: ۹۵۳ق) نوشتهٔ عبداللطیف افندی و تذکرهٔ اسلاف نوشتهٔ فائق رشاد (درگذشت: ۱۳۳۳ق) تنها تذکره‌هایی هستند که ذیل شرح‌حال مصطفی عزمی‌زاده حالتی (درگذشت: ۱۰۴۰ق/ ۱۶۳۱م) رباعی‌گوی معروف ترک، به پیروی او از خیام اشاره کرده‌اند.

شاعران عثمانی[1] که از خیام در شعر خود نام برده‌اند به ترتیب تاریخ درگذشت عبارتند از:

- مصطفی عزمی‌زاده حالتی، شاعر، مترجم و دولتمرد عثمانی که دیوانش (سرودهٔ ۱۰۱۲ق) مشتمل است بر ۶۱۵ رباعی. دوران طلایی رباعی‌سرایی در ادبیات ترک با حالتی در سدهٔ ۱۱ق/ ۱۷م آغاز می‌شود. حالتی در بیتی (Azmi-zâde, 2003: 351) خود را در رباعی‌سرایی همتای خیام می‌پندارد[2]. نوعی‌زاده عطایی (درگذشت: ۱۰۵۴ق) شاعر و عالم عثمانی در ذیل شقایق نعمانیه، رباعیات حالتی را «رشکِ روانِ خیام» نامیده است (نک: همان، 740)؛

- احمد سهیلی (درگذشت ۱۰۴۲ق/ ۱۶۳۲م به بعد) شاعر و تاریخ‌نگار عثمانی در قصیده‌ای به نام «گلشن شعرا» در مدح شاعران ایران و روم، مهارت خیام را در سرودن رباعی چنین می‌ستاید: خیام از صحرای عدم

۱. بیت‌هایی که در این بخش از پژوهش از شاعران عثمانی برای نمونه ذکر شده، بدون رعایت وزن به نثر فارسی برگردانده و اصل شعر به خط ترکی استانبولی در پانوشت ذکر شده است.

2. Sahrâ-yı ‘ademden getürüp haymeyi Hayyâm, Kurdı nice yıl itdi anı menzil ü me’vâ/ Ol haymenüñ eknâfını altun ile yazdı, Ebyât ü rubâ‘îyle nice kıt‘a-i zîbâ (Kaside 48/27-28).

خیمه‌ای آورده که بر روی آن ابیات و رباعیات زیبا نوشته شده است[۱] (2007: 138؛ Çalka, 2015: 33-34؛ همو،284 -283 :2017)؛

- عمر نفعی (درگذشت: ۱۰۴۴ق/ ۱۶۳۵م) از مهم‌ترین قصیده‌سرایان عثمانی و صاحب دیوان ترکی و فارسی، با اینکه شمار اندکی رباعی سروده، اما خود را همتای خیام می‌پندارد. او در بیتی از قصیده‌ای «در مدح شیخ‌الاسلام محمد افندی» (1993: 218)، ضمن مفاخره به توانایی‌های خود در شاعری، خود را در غزل‌سرایی همتای حافظ و در قطعه‌سرایی همپایهٔ ابن‌یمین (درگذشت: ۷۴۶ق) می‌انگارد و می‌گوید اگر رباعی می‌سرود همتای خیام می‌بود[۲] (همان‌جا). او در قصیده‌ای دیگر با عنوان «در مدح سلطان مرادخان» چنان به شعر خود می‌بالد که معتقد است روح خیام از رباعیات او به وجد می‌آید[۳] (همان، 116)؛
- مصطفی فهیم قدیم (درگذشت: ۱۰۵۸ق/ ۱۶۴۷م) از برجسته‌ترین نمایندگان سبک هندی در ادبیات ترک که در غزل‌سرایی سخت متأثر از عرفی شیرازی بود، در مجموع ۵۶ رباعی به ترکی و سه رباعی به فارسی سروده است. او خیام را استاد خویش می‌داند و در یکی از رباعیات خود به ترکی خیام را چنین می‌ستاید: «ناچار که مستِ عشقِ خیام شدم، در چارسوی جهان چنین بدنام شدم/ روی آورده به رباعی فهیم، خیام صفت شهرهٔ ایام شدم»[۴] (705- 704 :1991). فهیم گرچه مانند شاعران دیگر خود را برتر از خیام نمی‌بیند، اما بر آن است که مانند خیام در رباعی‌سرایی استاد است؛
- سلیمان مِزاکی (درگذشت: ۱۰۸۷ق/ ۱۶۷۶م) شاعر بوسنیایی گرچه فقط یک رباعی در دیوان خود دارد، اما در قصیده‌ای مدحی به نام «التماس‌نامه برای احمدپاشا» به شعر خیام غبطه می‌خورد[۵] (Mermer, 1991: 224) و در قصیدهٔ دیگری با عنوانِ «در ستایش قائم‌مقام مصطفی‌پاشا» خود را برتر از خیام می‌داند! (همان، 256)؛
- سعید گیرای (درگذشت: ۱۱۴۴ق/ ۱۷۲۸م) سرایندهٔ ۳۳ رباعی. در دو رباعی، یکی به زبان ترکی و دیگری به

---

1. Sahrâ-yı ‘ademden getürüp haymeyi Hayyâm, Kurdı nice yıl itdi anı menzil ü me’vâ/ Ol haymenüñ eknaf n altun ile yazd , Ebyat ü rubaîyle nice k t a-i zîba (Kaside 48/27-28).
2. Hâfız u İbn-i Yemîn’im gazel ü kıtada ger, Söylesem belki rü baîde olurdum Hayyam (50/ 65).
3. Getirdi şavk- rubaîlerim tekellü fsü z, Çarpara ile raksa rû h- Hayyam .
4. Naçar ki mest-i 'aşk- Hayyam oldum, Bu çarsu-y cihanda bed-nam oldum/ Aşk ile idup rubaiye meyl Fehim, Hayyam-sifat şohret-i eyyam oldum.
5. Vasf-ı hıyâm-ı ma‘rifet itdükce sözlerü m, Reşk-i sü han-t razî-i Hayyam isterin (Kaside 15/40)

زبان فارسی خود و خیام را در مقام استاد می‌ستاید. در رباعی ترکی می‌گوید: در وادی رباعی گویا، قطره‌ای جام صهبا فرو چکید و آن قطره چنان به جوش آمد که خیام‌صفت عاشقانه رسوا گشتم[1] و در رباعی فارسی چنین سروده است: «شاعری خوش لهجهٔ ناکامم من، از جور فلک پخته ولی خامم من/ در دار جهان شدم سعیدا مشهور، پیرو شدهٔ وادی خیامم من» (2017: 196,201)؛

- سلیمان نحیفی (درگذشت: ۱۱۵۱ق/ ۱۷۳۸م) ادیب و شاعر صوفی‌مشرب و مترجم مثنوی مولوی و سرایندهٔ ۵۶۳ رباعی)، ضمن تمجید خیام، خود را در رباعی «خیامِ زمان» و پیرو او می‌نامد: «در معنی رهینِ الهامم من، در نظم شهرت‌فکنِ ایامم من/ گر عالمگیر شود نامم چه چاره، در وادی رباعی کنون خیامم من» [2] (1992: 642)؛
- احمد نِیلی (درگذشت: ۱۱۶۱ق/ ۱۷۴۸م) شاعر و ادیب عثمانی سرایندهٔ ۳۴ رباعی. او نیز مانند بسیاری از هم‌عصرانش در سنجشِ رباعیات خود با خیام معتقد است رباعیات او عرصه را بر رباعیات خیام تنگ کرده است![3] (1991: 203). نیلی در رباعی دیگری به فارسی چنین از شعر خود و خیام یاد می‌کند: «هر معنیِ بیتِ نیلیِ نکته‌گزین، در حُسن ادا گشته سزای تحسین/ اندیشهٔ خیام بدگویی ماند، این دلبرِ خانزاد و آن خیمه‌نشین» (2004: 501, 505)؛
- محمدبن امین بلیغ (درگذشت: ۱۱۷۴ق/ ۱۷۶۰م) شاعر دیوانی که منظومه‌ای نیز به فارسی سروده، در بیتی ترکی از خیام و چهاره پاره‌های او سخن گفته است؛
- محمد حاذق افندی (درگذشت: ۱۱۷۷ق/۱۷۶۲م) در قصیده‌ای مدحی با عنوان «در ستایشگری فیض‌الله افندی‌زاده شیخ‌الاسلام السید مصطفی افندی» می‌گوید: اگر صحفهٔ روزگار را پر از رباعی کنند، باز هم رباعیات خیام ناتوان از توصیف بزرگی ممدوح منست![4] (1992: 129)؛
- محمدبن رشید سنبل‌زاده وهبی (درگذشت: ۱۲۲۴ق/۱۸۰۹م) ملقب به سلطان‌الشعراء بر خلاف شاعران

---

1. Vâdî-i rubâʻîde olınca gûyâ,İrdi dile yek katre cam- sahba,Ol katre dilümde şöyle cûş [itdi] kim, Hayyam-s fat ʿaşkla oldum rüsva(Rubaî 1).
2. Maʻnîde rehîn-i sıfat-ı ilhâmem, Ben nazm ile şöhret-fiken-i eyyamem/ Namumla pür olsa ne ʿaceb çar cihet, Vadî-i rubaʻîde bugün Hayyamem (Rubaî 329).
3. Eşʿar-nüvîs-i dehr ider ser-name, Her matlaʿ m z cerîde-i eyyama/ Nüh-hayme-i çerhı teng ü târ ideriz,Vâdî-i rubâʻîde ser-i Hayyâm'a (Rubâî 2).
4. Safha-i dehri pür eylerse rubâʻîlerden, Rubʻını eyleyemez vasf-ı şerîfin Hayyam (Kaside 2/43-44).

پیشین اندیشهٔ خیام را چندان نمی‌پسندد. چنانکه در قصیده‌ای ضمن ستایش شاعرانی چون شوکت بخاری و جامی، معتقد است که شعر عمر خیام برای او اهمیت چندانی ندارد[۱]؛

– عطاالله محمد شانی‌زاده (درگذشت:۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م) شاعر و تاریخ‌نگار عثمانی و پیشگام طب مدرن در آغاز رباعیات خود این عنوان را نهاده است: «بر فنِ رباعیات به‌طور شیخ خیام»؛ و چنانکه خود تصریح کرده دو رباعی فارسی او نظیره‌ای است بر دو رباعی خیام (2005: 176)؛

– حسین عونی ینی‌شهری (درگذشت: ۱۳۰۱ق/۱۸۸۳م) از آخرین شاعران دیوانی در قصیده‌ای مدحی با عنوانِ «در مدح سامی پاشازاده نجیب پاشا» علاوه بر ستایش رباعی‌های خود، به پیروی از نفعی، بر آن است اگر خیام یکی از رباعی‌های او را بشنود، روحش از ذوق چهار پاره خواهد شد: «به حقِ چهار کتاب گر بشنود یک رباعی مرا، روح خیام به جنبش درآید و چهار پاره شود» (1998: 518)[۲]؛

– مصطفی اشرف پاشا (درگذشت: ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴م) شاعر و دولتمرد عثمانی نیز ضمن مقایسهٔ خود با شاعران نامدار ایرانی خود را در غزل‌سرایی، شوکتِ روم و در قصیده‌سرایی، عرفی و در رباعی، «خیامِ ثانی» می‌نامد: «در غزل شوکتِ رومم و در قصیده عرفی، در رباعی ثانیِ خیامم من»[۳] (Yekbaş, 2009: 1183)؛

– محمود جلال‌الدین پاشا متخلص به آصف (درگذشت: ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۳م) شاعر و دولتمرد عثمانی سرایندهٔ ۱۶۳ رباعی بر آن است که روح خیام با رباعی‌های او متبرک و متعالی می‌شود؛ چرا که او به شیوه‌ای متفاوت از خیام شعر می‌سراید (2003: 241)؛

– عبدالحق حامد طرخان (درگذشت: ۱۳۵۴ق/ ۱۹۳۷م) نمایشنامه‌نویس و از بزرگ‌ترین شاعران دورهٔ تنظیمات، ملقّب به «شاعر اعظم» در منظومه‌ای بلند به نام «گذرگاه طیف‌ها» (سرودهٔ ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م) به ترکی، از شاعران نامدار ایرانی چون حافظ و سعدی و فردوسی یاد کرده و در بخشی از منظومه اندیشهٔ خیام را ستوده است[٤].

---

1. Mahlasın tebdîl ederdi Muhteşem görseydi ger Şevket-i tab' m edince böyle 'arz- ihtişam,Rûh- Camî pür-neşat-neş'e-i ser-şar olur/Cem gibi bezm-i sühande destime ald kca cam,Fikr-i Hayyam' t nab etmem otağ-nazm ma/Eylesem sahn- ruba'îde gehî darb- h yam (Kaside 45/35-37).
2. Bir rübâ'îmi işitse be-hakk- çar kitab, Çar pareyle gelür cünbişe rûh- Hayyam (Kaside 30/43).
3. Gazelde Şevket-i Rûm'um kasîdede 'Urfî, Muhayyelat- ruba'îde sanî-i Hayyam (Kaside XIX/66).

٤. رئیس‌نیا این بخش را به فارسی ترجمه کرده است: «تمثال فلسفی حزن و حسرت را ببین، فریاد این حضرت در هر زبانی شنیده شده/ مفهوم حکمتش اندیشهٔ مرگ بود، او بود که دریافت قدر و قیمت انسانیت چیست» (نک: رئیس‌نیا، ۱۳۸۲: ۷۶- ۷۷).

۴. ترجمهٔ رباعیات خیام به زبان ترکی

در سدهٔ نوزدهم با اعلام تنظیمات و نهضت نوگرایی و اصلاح‌طلبی در ساختار سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ عثمانی در ۱۲۱۸- ۱۲۵۴ش/ ۱۸۳۹- ۱۸۷۶م و با باز شدن فضای سیاسی- اجتماعی و اعلام مشروطیت، زمینه برای ترجمه و شرح متون مهم فارسی فراهم آمد و شاعران بسیاری به ترجمهٔ رباعیات خیام روی آوردند. رباعیات خیام بارها از سدهٔ نوزدهم مقارن با عصر تنظیمات آغاز و تا دوران پس از جمهوری (۱۹۲۲- ۱۸۳۹م) و دورهٔ معاصر به نظم و نثر ترکی ترجمه شده است. امروزه شمار این ترجمه‌ها را بیش از پنجاه ترجمه دانسته‌اند که در ادامه، ذیلِ نامِ مترجمان در دو گروه ترجمه‌های منثور و منظوم معرفی می‌شود[۱]:

الف) ترجمه‌های منثور رباعیات

- معلم فیضی افندی تبریزی (۱۸۴۲- ۱۹۱۰م/۱۲۵۸- ۱۳۲۸ق) نویسنده و شاعر ایرانی‌تبار و نخستین مترجم رباعیات خیام به زبان ترکی با انتشار سلسله مقالاتی دربارهٔ زندگی خیام در شماره‌های متعدد روزنامهٔ ترجمان حقیقت از روزنامه‌های دورهٔ عثمانی، رباعیات خیام را نخست در ۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۵م در همان نشریه و سپس در قالب کتابی به نام خیام، ۱۲۰ رباعی را به تشویق معلم ناجی (درگذشت:۱۸۹۳م) شاعر و مترجم عثمانی ترجمه و در ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶م در استانبول در ۱۱۸ صفحه منتشر کرد. اهمیت این ترجمه در آن است که حدود ۲۵ سال پس از نخستین ترجمهٔ معروفِ فیتزجرالد (۱۸۵۹م) در غرب، به ترکی ترجمه شده است. فیضی در مقدمهٔ کوتاه کتاب، ضمن اشاره به ناشناخته بودن رباعیات خیام در شرق و شهرت فراوان شاعر در غرب، ترجمهٔ رباعیات را وظیفه‌ای از جانب خداوند دانسته است. کتاب از دو بخشِ زندگی عمر خیام و ترجمهٔ رباعیات تشکیل شده و بر پشت جلد کتاب، معلم فیضی در دو بیتِ ترکی به عیب‌جویانِ خیام پاسخ می‌دهد و آن‌ها را از تعرض و عیب‌جوییِ خیام بازمی‌دارد[۲]؛
- ابراهیم مستجابی‌زاده (۱۸۶۸- ۱۹۱۷م) شاعر و نویسنده معروف به عصمت‌بیگ در اثری به نام منتخبات

---

۱. ترجمه‌های معرفی شده در این جستار مشتمل است بر دو بخش: یکی ترجمه‌هایی که نخستین بار در این جستار معرفی می‌شوند و دیگری ترجمه‌هایی که پیشتر معرفی شده و در اینجا اطلاعات جدیدی به آنها افزوده شده است.

۲. شیخ ابراهیم زنجانی (درگذشت: ۱۳۱۳ش)، روحانی نوگرای دورهٔ قاجار و رهبر مشروطه‌خواهان زنجان، این قطعه را بدین صورت به نظم فارسی درآورده است: «بر اهل کمال عیب‌جویی دشوار، در دشت تعصب عیب‌جویی دشوار/ بدگویی خیام به نادان آسان، مانندهٔ او فصیح‌گویی دشوار» (نک: دانش، مقدمه، ۱۸).

فارسیه و یا ترجمهٔ منتخب رباعیات خیام، ضمن قطعاتی برگزیده از شاعران ایرانی، ۱۷۷ رباعی از خیام را در سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۱ق/۱۹۰۱- ۱۹۰۴م ترجمه کرد و قرار بود آن را پس از بازبینی در مجموعه‌ای به نام خیابان[۱] به چاپ برساند؛ اما در ۱۳۳۰ق/۱۹۱۴م در نامه‌ای به دوستش ابوسعودزاده یا سعودالمولوی، منتشر در مجلهٔ کایناک[۲]، با شوق زیاد از چاپ ترجمهٔ جودت خبر می‌دهد و آن را اثری بلیغ و بدیع معرّفی می‌کند. او در بخشی از این نامه می‌نویسد: «آیا ترجمهٔ دکتر جودت در روزنامهٔ اجتهاد را دیده‌ای؟ فقط پاره‌ای رباعیات را چه بد و چه اشتباه ترجمه کرده است» (همان،۵۵۰). عصمت‌بیگ هرگز موفق به چاپ ترجمه‌اش نمی‌شود. از این اثر دو نسخه شناسایی شده است: نسخهٔ بالکسیر و نسخهٔ کتابخانهٔ ملت استانبول، بخش علی امیری شمارهٔ ۲۲۱ (برای نسخه‌ها، نک: Andi 2000: 6- 8)؛

- عبدالله جودت (درگذشت: ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۲م) نویسنده، مترجم، پزشک، شاعر و از بنیان‌گذاران حزب اتحاد عثمانی که بعدها جمعیت اتحاد و ترقی[۳] نام گرفت. او نخست ۵۳۱ رباعی (استانبول ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م) و سپس نسخهٔ کامل‌تر آن شامل ۵۷۶ رباعی (از فرانسه به ترکی) را به ترکی ترجمه و با دیباچه‌ای مفصل و ۲۲ تصویر در ۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۶م به چاپ رساند. این ترجمه در محافل ادبی آن دوره بسیار تأثیرگزار بود و خیام را به جامعهٔ نوین ترک شناساند و نویسندگانی چون حسین دانش و رضا توفیق را به شناخت خیام مشتاق کرد؛
- حسین دانش (درگذشت: ۱۳۲۲ش/ ۱۹۴۳م) نویسنده، شاعر و ادیب ایرانی و مدرّس زبان و ادبیات فارسی در ترکیه با همکاری رضا توفیق بلوکباشی (درگذشت: ۱۳۲۸ش/ ۱۹۴۹م) شاعر، ادیب و فیلسوف و سیاستمدار ترکِ عصر مشروطه، ۳۹۶ رباعی را با مقدمه‌ای مفصّل در شرح احوال و عقاید خیام ترجمه و شرح کردند (۱۳۴۰ق/ ۱۹۲۲م و ۱۳۴۶/ ۱۹۲۷م).

این ترجمه مشتمل است بر ترجمه و شرح ۳۹۶ رباعی که با مشارکت حسین دانش و رضا توفیق بلوکباشی با مقدمه‌ای مفصّل در شرح احوال و عقاید خیام در ۱۳۰۰-۱۳۰۱ش/ ۱۹۲۲م منتشر شد. بعدها هر یک از این دو

۱. خیابان عنوان مجموعهٔ علمی و ادبی از نشریات مهم دورهٔ مشروطه است که مدت دو ماه و ۱۵ روز در ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م در ازمیر منتشر می‌شد. مستجابی‌زاده مقاله و شعرهای خود را در این نشریه به چاپ رسانده بود (برای آگاهی بیشتر، نک: Akin, 2010: 709- 720).

۲. کایناک (مأخذ)، جلد ۳، شمارهٔ ۶ مجلهٔ محفل (۱۳۳۹: ۱۰۷) و در جلد ۹ شمارهٔ ۱۰۲- ۱۰۳ (۱۹۴۱: ۵۳۱- ۵۷۰).

۳. نخستین حزب بزرگ سیاسی در امپراتوری عثمانی (۱۳۲۷-۱۳۳۷ ق/ ۱۹۰۸- ۱۹۱۸ م) که برای برقراری مشروطه، دفاع از آزادی و وحدت و ترقی امپراتوری تشکیل شد.

مترجم نسخه‌هایی از این کتاب را جداگانه نیز به چاپ رساندند: حسین دانش در ۱۹۲۷م و رضا توفیق در ۱۹۴۵م هر دو در استانبول.

کتابِ حسین دانش (شاملِ متن اصلی رباعیات خیام و یادداشت‌ها و مقدمه) دو بار به فارسی ترجمه شده است: یکی ترجمهٔ چاپ دوم دانش به قلم توفیق هاشم‌پور سبحانی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ۱۳۷۹ش و بار دیگر ترجمهٔ مشترکِ دانش و توفیق، به قلمِ شیخ ابراهیم زنجانی (درگذشت: ۱۳۱۳ش) از روحانیون نوگرای دورهٔ قاجار و رهبر مشروطه‌خواهان زنجان به فارسی ترجمه شد که با توضیحات و پیشگفتاری مفصل به کوشش مسعود جعفری جزی با عنوان خیام نیشابوری، زندگی، افکار و رباعیات به چاپ رسید (انتشارات نیلوفر، ۱۴۰۰).

کتاب با مقدمه‌ای کوتاه از دانش و توفیق آغاز می‌شود. بخش‌های ادبی به قلم دانش و بخش‌های فلسفی به قلم توفیق نوشته شده و پژوهش این دو بیشتر مبتنی است بر تحقیقات دانشمندان غرب و تکیه بر آرای محمد قزوینی. در این مقدمه، نخست به اختصار روند ترجمهٔ رباعیات در غرب و سپس ضمن اشاره به دو ترجمهٔ معلم فیضی و عبدالله جودت در مقام پیشگامان ترجمهٔ رباعیات خیام در ترکیه، اشکالات ترجمهٔ جودت بدین شرح بیان شده است: نخست، اساس قرار دادن ترجمهٔ فرانسوی نیکولا[1]، زیرا چنانکه ژوکوفسکی[2] یادآور شده رباعیاتی که نیکولا ترجمه کرده سرودهٔ خیام نیست؛ دیگر آنکه جودت با ترجمهٔ ذوقی در بیان معنی ابیات دچار اشتباه شده است (دانش، مقدمه، ۱۸– ۲۰). دانش و توفیق در همین مقدمه مشخص کرده‌اند که آنان به جنبهٔ ادبی و فلسفی خیام توجه کرده و آن را به تفکیک بیان کرده‌اند. سپس مطالب کتاب در شش فصل بدین شرح آمده است: فصل اول با عنوان «معرفت هویت او» در دو بخش دربارهٔ زندگی و زمانهٔ خیام و شعر و شاعری و ارزش هنری و ادبی رباعیات او و پژوهش‌های شرق‌شناسان دربارهٔ رباعیات خیام؛ فصل دوم با عنوان «حکیم نیشابوری» دربارهٔ خیامِ حکیم و فیلسوف و نگرش او به ماوراءالطبیعه و برخی عقاید فلسفی او ازجمله تغییر دائمی کائنات؛ فصل سوم با عنوانِ «خیام به زندگانی چه معنی و قیمت می‌دهد؟» دربارهٔ جهان‌بینی و مفهوم زندگی از دید خیام؛ فصل چهارم با عنوان «خیام نسبت به زندگانی بدبین است» با توجه به برداشت مترجمان از رباعیات، خیام نگرشی بدبینانه و نومیدانه به زندگی و جهان فانی دارد و ازاین‌رو به خوش‌باشی توصیه کرده است؛ فصل پنجم با عنوان «شباهت به حکمای عظام» مقایسه‌ای است میان اندیشهٔ خیام با برخی فیلسوفان غربی مانند اپیکور، شوپنهاور، گوته و به‌ویژه ابوالعلاء معری، از شاعران معروف جهان عرب و فصل

1. Nicolas
2. Zhukowski

ششم با عنوان «می‌توان گفت خیام صوفی است؟» مترجمان با طرحِ این پرسش نسبتی میان خیام و تصوف نمی‌بینند. پس از فصلِ پایانی، نویسندگان در بخش کوتاهی به نام «تتمهٔ مقدمه» راز اصلی شگفت‌انگیزی خیام را در فکر و اندیشه و جهان‌بینی او دانسته‌اند و اینکه زندگی را باید به نیکی و خوش‌باشی گذراند. پیش از متنِ رباعیات، در مقدمهٔ کوتاه دیگری، اندیشهٔ خیام و تقسیم‌بندی موضوعی رباعیات ارائه شده است. در بخش پایانی کتاب با عنوان «رباعیات عمر خیام»، ۳۹۶ رباعی در دو بخش مجزای رباعیات اصلی و یقینی (۲۴۷ رباعی) و رباعیات محتمل (۲۶ رباعی) و مشکوک (۱۲۲ رباعی) به ترکی ترجمه و گاه شرح شده و سپس رباعیات منسوب به خیام و ترجمهٔ عربی رباعیات آمده است. از این نظر شاید بتوان حسین دانش را پیشتاز خیام‌شناسانی دانست که رباعیات را طبقه‌بندی کرده‌اند[۱]. نسخه‌هایی که مترجمان از آن بهره گرفته‌اند عبارت‌اند از: نسخهٔ یاراحمد رشیدی تبریزی (۸۶۷ق) که دانش مقدمهٔ فارسی او را نقل کرده و نسخهٔ شیخ محمودپیربوداغی (۸۶۵ق).

دانش و توفیق برخلاف بسیاری از مترجمان دیگر رباعیات را نه به ترتیب حروف قافیه، بلکه با توجه به مضمون و محتوای رباعی‌ها ازجمله به رباعی‌های بدبینانه، شکاکانه، لا ادریه، دم غنیمت شمری و یا رباعی‌هایی دربارهٔ تغییر و تحول عالم تنظیم کرده‌اند. ازاین‌رو، به نظر می‌رسد که روش آنان روشی محتوانگر است و آموزه‌های فلسفی و جهان‌نگری خیام بیش از ساختار زبانیِ رباعیات و آرایه‌های هنری، بلاغی و زبانی توجه مترجمان را به خود جلب کرده است. مترجمان در تقسیم‌بندی رباعیات معیار روشنی ارائه نکرده‌اند، چنانکه در بررسی رباعیات بسیاری از رباعیات شاعران دیگر در بین رباعیات اصیل و منسوب در این کتاب آمده و به جای آن برخی رباعیات که امروزه با استناد به منابع کهن در شمار رباعیات شاخص و نسبتاً اصیلِ خیام هستند در شمار رباعیات مشکوک جای گرفته‌اند. برای مثال رباعی «ای آنکه تو در زیر چهار و هفتی» و «خوش باش که پخته‌اند سودای تو دی» که میرافضلی (۱۴۰۰: ۲۰۵، ۲۰۹) در شمار بیست رباعی اصیل خیام جای داده، در ترجمهٔ دانش (۱۴۰۰: ۴۰۳، ۴۰۰) از رباعیات مشکوک است و یا رباعی «پیش از من و تو لیل و نهاری بوده است» را که میرافضلی (همان، ۲۲۳) در شمار رباعیات محتمل جای داده، دانش (همان، ۲۷۶) از رباعیات مسلم خیام دانسته است. همچنین رباعیاتی در ترجمهٔ دانش از رباعیات مسلم خیام دانسته شده که سرودهٔ شاعرانِ دیگری است. ازجمله رباعی «جز راه قلندران میخانه مپوی، جز

---

۱. طبقه‌بندی موضوعی رباعیات خیام پیشتر در آثار سدهٔ هفتم تا نهم هجری از جمله در *نزهة المجالس*، سفینهٔ کهن رباعیات، سفینهٔ ترمد، *روضة الناظر و طربخانه* صورت گرفته بود (نک: میرافضلی، ۱۴۰۰: ۳۴۱-۳۴۳).

باده و جز سماع و جز یار مجوی» (دانش، همان، ۳۲۱)، سرودهٔ سنایی غزنوی و رباعی «اکنون که ز خوشدلی به جز نام نماند، یک همدم پخته جز می خام نماند» (همان: ۳۵۰) سرودهٔ کمال‌الدین اسماعیل (درگذشت: ۶۳۵ق) است. با این حال، با توجه به تاریخ قدیمی ترجمهٔ دانش و توفیق و نیز پیشرفت در مطالعات خیام‌شناسی بعد از این تاریخ، نمی‌توان بر این مترجمان خرده گرفت.

عقیدهٔ دانش و توفیق دربارهٔ خیام آن است که او در رباعیاتش نه حب دین دارد و نه میهن‌پرستی و نه عشق به فضائل اخلاقی، بلکه در شعر او نگرش و فلسفهٔ خاصی نسبت به هستی و زندگی جاری است. خیام از نظر مترجمان کتاب نه صوفی است و نه رند، بلکه فیلسوفی است با نگرشی لاادری گرایانه به موضوعات ماورایی که نمی‌داند در جهانی که همیشه در حال تغییر است چرا آمده‌ایم، از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم. اگر خیام از ذوق و حال و خوشی و می و معشوق می‌گوید بدین معنی نیست که او فردی لاابالی بوده بلکه حکیمی است که در مقابل جهان هستی حیران است. مهم‌ترین ویژگی خیام از نظر این دو که او را از دیگر شاعران متمایز می‌کند، فلسفه، اعتقادات، شفافیت و شجاعت در بیان است. دانش آوایی از شعرِ خیّام می‌نیوشد که از سرودهٔ دیگران نمی‌شنود. دانش و توفیق پس از بیان شهرت خیام در غرب، دربارهٔ علل شهرت نیافتن او در ایران، معتقدند که خیام اساساً شاعر نبوده، بلکه برای خود شعر می‌سروده و از همین رو، به قالب‌های دیگر غیر رباعی توجه نکرده و در نتیجه در ایران در ردیف شاعران درجه سوم و چهارم قرار گرفته است. خیام در نگاهِ این دو مترجم، شاعری است که نه تنها کسی را مدح نکرده، بلکه تنها سخنگوی درونیات خویش است و مهم‌ترین دلیل محبوبیت او در غرب نه بخت و اقبال و نه بی‌مبالاتی به آموزه‌های دینی، بلکه بینشِ ژرفِ او به زندگی و توصیه به خوش‌باشی و مهرورزی بوده است.

تقریباً یک سال پس از انتشار ترجمهٔ دانش و توفیق در ترکیه، شیخ ابراهیم زنجانی[۱] این کتاب را در سال‌های خانه‌نشینی در دورهٔ اول حکومت رضاشاه، به فارسی ترجمه کرد. زنجانی در ترجمهٔ آزاد و درعین‌حال وفادار به متن، برخی دیدگاه‌های خود را نیز گنجانده است. ازاین‌رو، این کتاب علاوه بر دیدگاه‌های حسین دانش و رضا توفیق دربارهٔ خیام و زندگی و افکار او، به دلیل پانوشت‌ها و توضیحات افزودهٔ مترجمِ فارسی اثری بسیار ارزشمند می‌نماید. سازگاری حس تجدد و نوگرایی در عصر مشروطه با اندیشهٔ خیام و نزدیکی گرایش‌های فکری زنجانی و خیام احتمالاً از دلایل توجه زنجانی به خیام بوده است.

---

۱. خاطرات ابراهیم زنجانی (سرگذشت زندگانی من) به کوشش غلامحسین میرزاصالح از سوی انتشارات کویر در ۱۳۷۹ش منتشر شد.

مسعود جعفری‌جزی در تصحیح کتاب از دو نسخه بهره برده است: نسخهٔ مجلس به شمارهٔ ۷۱۸۳ و نسخهٔ دانشگاه به شمارهٔ ۶۰۶۰ به خط خود زنجانی. او پاره‌ای از حواشی نسخهٔ مجلس را که جنبهٔ انتقادی دارد و به قلم شخص ثالثی نوشته شده در متن آورده تا خواننده نیاز به رؤیت نسخه‌های خطی نداشته باشد. جعفری (۱۴۰۰: بیست و دو) در تصحیح خود چنانکه یادآور شده به درستی و نادرستیِ انتساب رباعیات به خیام توجّهی نداشته و متن را مطابق ترجمه و تنظیم دانش و توفیق فراهم آورده است. در پایان کتاب نمایهٔ بیت‌یاب شعرهای فارسی، عربی و ترکی، واژه‌نامه و فهرست‌های موضوعی کار را برای خواننده آسان کرده است.

انتشار متن فارسی رباعیات و ترجمهٔ دانش و توفیق بر پایهٔ نسخه‌های در دسترس در ترکیه که متأثر از موج شیفتگی به خیام و همگام با روح نوگرایی و تجدد آن روزگارِ ترکیه بود، بر بسیاری از ترجمه‌های بعدی تأثیر گذاشت. چنانکه برخی از پژوهشگران ترک، سیر تاریخی ترجمه‌های ترکی رباعیات خیام را به پیش و پس از ترجمهٔ دانش و توفیق تقسیم می‌کنند. این ترجمه، گرچه در آن زمان در ایران چاپ نشد، ولی در همان زمان در مجلهٔ ایرانشهر (۱۳۰۲ش/ ۱۹۲۳م) مقاله‌ای در معرفی آن نگاشته و ترجمهٔ فارسی مقدمهٔ آن منتشر شد. چنانکه جعفری جزی (بیست و دو- بیست و پنج) در مقدمهٔ کتاب اشاره کرده، این ترجمه در محافل ادبی ایران نیز بسیار رواج داشت و بر بسیاری از تحقیقات بعدی تأثیر گذاشت؛ چنانکه برخی خیام‌پژوهان در تقسیم‌بندی اشعار و تفکیک میان خیامِ فیلسوف و خیامِ شاعر، سخت متأثر از دانش بودند. انتشار این کتاب در ایران، هم به دلیل مترجم ایرانی‌الاصل آن حسین دانش و هم ترجمهٔ فارسی آن در عصر مشروطه، اثری بسیار ارزنده و گامی مهم و ارزشمند در مطالعات خیام‌شناسی شمرده می‌شود.

پس از ترجمهٔ دانش و توفیق، رباعیات خیام بارها در ترکیه ترجمه و منتشر شده که در اینجا برخی از مهم‌ترین ترجمه‌ها معرفی می‌شود:

- ابراهیم علاءالدین (درگذشت: ۱۹۴۹م) در کتابی به نام عمر خیام (استانبول ۱۹۳۲م) نخست زندگی و احتمال ترک بودن! خیام و عشق او به مهستی را شرح می‌دهد، سپس در بخش دوم کتاب ویژگی شعر و فلسفهٔ خیام بررسی و در بخش سوم صد رباعی خیّام ترجمه شده است؛
- عبدالباقی گولپینارلی (درگذشت: ۱۹۸۲م) پژوهشگر نامدار معاصر در کتاب رباعیات خیام (به انضمامِ ترجمهٔ رساله سلسلهٔ‌الترتیب: ترجمهٔ *خطبهٔ* التمجید ابن‌سینا، استانبول ۱۹۵۳م) ضمن بحث دربارهٔ زندگی، محیط و هویت علمی و آثار خیام و معرفی نسخه‌های رباعیات او، ۳۴۸ رباعی خیام را بر اساس مضامین مختلف

تقسیم و ترجمه کرده است. او در کتاب دیگری به نام خیام و رباعیات او (استانبول ۱۹۷۳م) در سه بخشِ «رباعیات خیام»، «اندیشهٔ خیام» و «خیام و شعر» دیدگاه‌های خود را دربارهٔ اندیشه خیام دربارهٔ موضوعاتی نظیر ملامت، شطح، تصوف، دنیا و ایمان بیان کرده و در پایان، رباعیات دیگری از خیام را ترجمه کرده و شمار این ترجمه‌ها را به ۴۹۷ رباعی رسانده است؛

- آصف حالت چلبی (درگذشت: ۱۹۵۸م) شاعر و نویسندهٔ عصر جمهوری، افزون بر گلچینی از رباعیات شاعران مختلف چون مولانا، حافظ، جامی، سلطان ولد و خیام (استانبول ۱۹۴۵)، در کتابی با عنوان زندگی، هنر و آثار عمر خیام (استانبول ۱۹۵۴م) ضمن شرح‌حال خیام، ۴۰۰ رباعی او را ترجمه کرده است؛
- یحیی کمال بیاتلی (درگذشت: ۱۹۵۸م) نویسنده و سیاستمدار نامدار ترک، با انتشار کتاب رباعی‌ها و رباعیات خیام به ترکی (دو کتاب در یک کتاب ۱۹۶۳) بر اساس کتاب حسین دانش، ۵۴ رباعی را در چاپ نخست و حدود صد رباعی را در چاپهای بعدی (استانبول ۱۹۶۰، ۱۹۶۳ و ۱۹۸۳م) به ترکی ترجمه کرد. از مجموع رباعیاتی که کمال از خیام ترجمه کرده، هفده رباعی در موضوع شادی، عشق و نوشیدن شراب و بقیه اشعاری است با مضامین فلسفی در موضوع ایمان و زندگی از دیدگاه شاعر. کمال معتقد است خیام در معنای زندگی دچار تردیدهای بسیاری بوده، با این حال همواره با گرایش به علم و ادب و می نوشی از زندگی لذت برده است. پس از ترجمهٔ یحیی کمال، ترجمه‌های بسیاری از رباعیات خیام در سدهٔ ۲۰ و ۲۱ میلادی بیشتر در استانبول به شرح زیر به چاپ رسید:

مظفر اِسِن[1]، در رساله‌ای کوچک به نام عمر خیام بزرگ‌ترین شاعر شرق، گزیده‌ای از رباعیات را ترجمه کرده است (استانبول ۱۹۴۳م)؛ احمد حلمی یوجه‌باش[2]، (درگذشت: ۱۹۹۶م)، در کتابِ زندگی، فلسفه و رباعیات عمر خیام (استانبول ۱۹۶۰م) ضمن معرفی مترجمان رباعیات خیام و شماری از رباعی‌سرایان ترک، ۳۵۵ رباعی خیام را ترجمه کرده است؛ حسین کاراکان نویسنده و شاعر معاصر ترک در گلچین ترکی خیام (استانبول ۱۹۶۲م)؛ یعقوب کنعان (نجف‌زاده) در کتاب عمر خیام و رباعیات او، نگاهی کلی به ادبیات ایران (استانبول ۱۹۶۸م) در بخش نخست کتاب دربارهٔ شاعران ایرانی و بخش دوم دربارهٔ شرح‌حال خیام و شخصیت ادبی او و در بخش سوم ۳۹۷ رباعی را ترجمه کرده است؛ حسین قراخان در کتاب خیام به زبان ترکی و گلچین رباعیات خیام مشتمل بر ترجمهٔ ۳۷ رباعی

1. Esen
2. Hilmi Yücebaş

(استانبول ۱۹۶۲م)؛ اُرهان ولی کانک[1] (۱۹۵۰م) شاعر و از بنیادگذاران جریان شعر «غریب» ترکیه در کتاب همهٔ اشعار ترجمه شده (استانبول ۱۹۸۲م)؛ ترجمهٔ ترانه‌های خیامِ صادق هدایت شامل ۱۴۳ رباعی به قلم محمد کانار (استانبول ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳م)؛ نجدت تاندوغان[2] (۱۹۸۶)؛ صادق جنت‌اوغلو، ترجمهٔ ۵۷۵ رباعی (۱۹۸۹)؛ ترجمهٔ آزاد ۱۶۳ رباعی از اسماعیل امیراوغلو در همهٔ رباعیات خیام (آنکارا ۱۹۹۴م)؛ جلال کرلانگیچ[3]، ترجمهٔ ۵۰۶ رباعی در رباعیات عمر خیام (۱۹۹۶)؛ حمزه تانیاش[4] ترجمهٔ ۹۶ رباعی (۱۹۹۷)؛ اُنر یاقجی[5] ترجمهٔ ۱۶۵ رباعی (۱۹۹۷)؛ احمد اُزکان[6]، ترجمهٔ ۳۵۳ رباعی در همهٔ رباعیات عمر خیام (استانبول ۱۹۹۸)؛ عصمت نادر آتاسوی[7] ترجمهٔ ۴۰۰ رباعی در رباعیات عمر خیام (۲۰۰۲م)؛ حسن چیفتچی- اُرهان باشاران[8] به ترتیب ترجمهٔ ۲ و ۱۷۸ رباعی (۲۰۰۲)؛ لِوَنت ینر[9] ترجمهٔ ۱۵۸ رباعی (۲۰۰۳) ییلماز یشیلداغ[10]، ترجمهٔ ۳۸۴ رباعی در همهٔ رباعیات خیام (استانبول ۲۰۰۳م)؛ یالچین آیدین آیچیچک[11] ترجمهٔ ۳۰۰ رباعی در کتاب چهرهٔ ترکی خیام (۲۰۰۴) و کلیات رباعیات خیام (۲۰۰۹م)؛ ح. ذکایی ییگیتلر و نوریه ییگیتلر[12] ترجمهٔ ۲۹۶ رباعی (۲۰۰۴)، اُزان ساقدیچ[13]، ترجمهٔ ۶۷۴ رباعی در رباعیات خیام، آتشی نمناک (۲۰۰۴)؛ احمد نجدت[14] ترجمهٔ صد رباعی در عمر خیام، راز زندگی چیست؟ (۲۰۰۴)؛ آلوش ینی‌دوغان[15] ترجمهٔ ۶۸ رباعی (۲۰۰۵)؛ احمد کرجا[16] ترجمهٔ ۱۷۹ رباعی (استانبول ۲۰۰۶)، علی گولتکین[17] ترجمهٔ ۱۳۴ رباعی در تأثیرات خیام (۲۰۰۶)؛ حسن علی یوجل[18]، رباعیات خیام (استانبول ۲۰۰۶)، علی پُلات[19] (استانبول ۲۰۰۸)؛ ایشیل اوچاش[20] (۲۰۱۲م)؛ گلچینی از ترجمهٔ مترجمان

1. Orhan Veli Kanık
2. H. Necdet Tandoğan
3. Celal Kırlanğıc
4. Hamza Tanyaş
5. Öner Yağcı
6. Özkan
7. İsmet nadir Atasoy
8. Hasan Çiftçi- Orhan Başaran
9. Levent Yener
10. Yılmaz Yeşildağ
11. yalçın aydın ayçiçek
12. H. Zekai Yiğitler- Nuriye Yiğitler
13. Ozan Sağdıç
14. Necdet
15. Aluş Yenidoğan
16. Kırca
17. Gültekin
18. Yücel
19. Polat
20. Işıl Uçaş

مختلف در کتاب خیام، می بنوش، عشق بورز[1] به کوشش جانسور ایوب اوغلو[2]. سرانجام آخرین ترجمه متعلق است به علی گوزل‌یوز[3] مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول که ۲۵۱ رباعی را به ترکی ترجمه و در کنار رباعیات فارسی و شرح‌حال و اندیشهٔ خیام با عنوان رباعیات عمر خیام (۲۰۱۲) و زندگی، اندیشه، آثار و رباعیات عمر خیام (استانبول ۲۰۲۰) منتشر کرده است.

ب) ترجمه‌های منظوم رباعیات

- حسین رفعت (درگذشت: ۱۹۵۳م) نخستین بار رباعیات خیام را در ۱۹۲۶م با ۱۷ تصویر و در ۱۹۴۳م شامل ۱۵۹ رباعی به نظم ترکی ترجمه کرد (چاپ سوم، بی‌تا: ۱۶۲ رباعی با ۷۹ تصویر)؛ در آغاز کتاب نامه‌هایی از شکیب توکادی‌زاده (درگذشت: ۱۹۳۲م) شاعر و سیاستمدار عثمانی، حسین دانش و عبدالله جودت به رفعت جای گرفته و سپس رفعت در بخش «سخن آغازین» به انتقادات مطرح شده در آن نامه‌ها دربارهٔ خیّام پاسخ داده است؛
- محمد بهاءالدین افندی (درگذشت: ۱۹۳۰م/ ۱۳۴۸ق) در کتابی به نام خرده اشعار، مجموعه‌ای از اشعار شاعران مختلف را از منابع گوناگون گردآوری و پس از ترجمه در ۱۳۴۵/ ۱۹۲۷ منتشر کرد. در این مجموعه ۳۱ رباعی در موضوع باده‌گساری ترجمه شده است. مترجم مشخص نکرده که این رباعیات را از چه منابعی برگزیده، اما به نظر می‌رسد اساس کار او کتاب حسین دانش و رضا توفیق بوده است. هفت رباعی در آثار این دو مشترک است (Avci, 2016: 84)؛
- فیض‌الله ساجد، نخست ۲۸ رباعی را در مجلهٔ تورک یوردو در ۱۹۲۸م و سپس در کتاب رباعیات خیام و ترجمه های منظوم ۱۰۱ رباعی را ترجمه و در چاپ بعدی کتاب (۱۹۲۹)، ترجمه‌های رباعیات را به ۵۹۱ رسانده است. رباعیات در سه بخش فارسی، ترکی با حروف لاتین و سپس ترجمهٔ ترکی آمده و در پایان فهرست الفبایی رباعیات گنجانده شده است (Andi, 1999: 18)؛
- اسحاق رفعت، ترجمهٔ ۱۲ رباعی در مجلهٔ تورک یوردو و قانون ثانی در ۱۹۲۸م؛
- احمد حیات ترجمهٔ ۲۹۵ رباعی خیام همراه با ترجمهٔ رباعیاتی از مهستی گنجوی، باباطاهر عریان، فخر رازی،

---

1. Çek Şarabı Sev Güzeli
2. Cansever Eyüboğlu
3. Güzelyüz

سعدی، ابن‌سینا و رباعیاتی سرودهٔ خود (استانبول ۱۹۳۱) (Andi, 1999: 19)؛

- نجمی تَرکان، ترجمهٔ رباعیات خیام (آنکارا ۱۹۴۹م و استانبول ۱۹۵۰م) بر وزن هجایی (همو، 21)؛[1]

- وصفی ماهر کجاترک[2] (درگذشت: ۱۹۰۷م)، با عنوان زندگی عمر خیام و رباعیات او در موضوع زندگی، مرگ، عشق و شراب[3] (آنکارا ۱۹۵۴و ۱۹۵۵م) شامل ۱۳۸ رباعی و ۱۱ تصویر؛

- محمد رشدی شارداغ[4] (درگذشت: ۱۹۹۴م) در کتاب رباعیات خیام از زوایای مختلف[5] افزون بر مطالبی دربارهٔ هویت خیام، دین و اخلاق، خیام و طبیعت، قدرت هنری خیام، خیام و آزادی، خیام در جهان، خیام نزد ترکان، در چاپ ۱۹۵۹م، در ازمیر، ۱۴۷ رباعی را ترجمه کرد که شمار ترجمه‌ها در چاپ دوم (۱۹۶۰) به ۲۷۰ و در چاپ بعدی (۱۹۷۳م) به ۲۶۷ رباعی رسیده است؛

- صباح‌الدین ایوب اوغلو (۱۹۰۸- ۱۹۷۳م)، در کتاب چهارپاره‌های خیام (استانبول ۱۹۶۱ و ۱۹۶۹م)[6] ۱۶۰ رباعی را ترجمه کرد و سپس ۱۶۲ رباعی دیگر را نیز بدان افزود که بارها (چاپ آخر ۱۹۸۸م) در ترکیه به چاپ رسیده است (Andi, 1999: 23)؛

- احسن گورتین[7] ترجمهٔ منظوم ۲۴۰ رباعی در کتاب رباعیات عمر خیام (استانبول ۱۹۷۵م)؛

- محمد نوری گنج‌عثمان (درگذشت: ۱۹۷۶م) ترجمهٔ منظوم ۲۸۰ رباعی در کتاب رباعیات خیام (آنکارا ۱۹۶۳م)؛

- الف. قادر، ترجمهٔ صد رباعی در کتاب خیام به زبان امروز در سه بخش: ۴۲ رباعی در موضوع باده‌گساری و عشق، ۸ رباعی در موضوع سخن با خدا و ۵۰ رباعی در موضوع انسان و آزادی (استانبول ۱۹۶۴م)؛

- محمداحسان حمامی‌زاده (درگذشت: ۱۹۸۴م) شاعر و نویسنده و پژوهشگر، ترجمهٔ منظوم ۳۴۵ رباعی همراه با رباعیات فارسی به کوشش فرزندش اُرهان حمامی[8] و با مقدمه‌ای کوتاه از علی نهاد تارلان (استانبول

1. Necmi Tarkan, *Ömer Hayyam'ın Rubaileri*, İstanbul, 1950, 132 s.
2. V. Mahir Kocatürk
3. Asaf Halet Çelebi, *Ömer Hayyam, Hayatı-Sanatı-Eserleri*, İstanbul, 1954, (Varlık Yay.).
4. Rüştü Şardağ
5. Bütün Yönleriyle Hayyam Rubaileri
6. Sabahattin Eyüboğlu, *Ömer Hayyam-Dörtlükler*, Istanbul, 1961.
7. Ahsen Gürtin
8. Orhan hamami

۱۹۶۶م).

چنانکه دیده شد، ترجمهٔ رباعیات خیام در ادبیات ترکی، پس از آشنایی ترکان با ترجمهٔ فیتزجرالد آغاز می‌شود و پس از آن، نظرِ بسیاری از شاعران، ادیبان و منتقدان ادبی را به خود جلب می‌کند. شمار رباعیات در ترجمه‌ها، متفاوت است و غالب ترجمه‌ها جز در پاره‌ای موارد، فاقد متن فارسی رباعیات است و تقسیم‌بندی مضامینِ رباعیات معیار روشنی ندارد و اغلب ذوقی است. با این حال، همین ترجمه‌ها، زمینه را برای آشنایی بیشتر ترکان آناطولی با رباعیات خیام فراهم کرد. آن دسته از مترجمانی که با زبان فارسی آشنایی بهتری داشتند، در انتقالِ اندیشه و آموزه‌ها و شیوهٔ بیان خیام توفیق نسبی بیشتری داشتند و توانستند ادیبان و شاعران معاصر ترک و منتقدان برجستهٔ ادبی را چنان شیفتهٔ خیام کنند که دربارهٔ وجوهِ علمی و ادبی او آثار بسیاری تألیف کنند و به سبک او رباعی بسرایند.

۵. خیام از نگاه برخی منتقدان ترک

با وجود استقبال شاعران عثمانی از خیام و شعر او، شمار اندکی از پژوهندگان معاصر ترک با نگاهی انتقادی، شعر و اندیشهٔ خیام را نقد کرده و او را شاعری ملحد و بدعت‌گذار معرفی کرده‌اند. به نظر این پژوهندگان، برخلاف این قول مشهور که ایرانیان و ترکان عثمانی از دیرباز با خیام آشنا بوده‌اند، نام خیام در سدهٔ نوزدهم میلادی با اهدافی خاص از سوی غربیان مطرح شده است، در نتیجه گرایش ترکان به خیام و ترجمه‌های رباعیات او را متأثر از تحقیقات غربی‌ها دانسته‌اند (Meriç, 1999: 145؛ Coşkun, 2013: 3). بر خلاف آنچه پیشتر گفته شد از نظر این افراد نام خیام به استثنای چند مورد مشکوک نه تنها در آثار دورهٔ عثمانی، بلکه در آثار متفکران معاصر ترک نیز ذکر نشده است. دلیل آنان این است که شاعران عثمانی شعر خیام را نمی‌پسندیدند و ازاین‌رو حاضر نبودند نام او را در شعر خود ذکر کنند! و به همین علت در تذکره‌های ترکی سدهٔ دهم تا سیزدهم ق./ شانزدهم تا نوزدهم م. نیز به نام خیام اشاره نشده است (نک: Coşkun, 2013: 10). این منتقدان برای تأیید نظر خود به آرای حسین دانش و عبدالله جودت دو تن از مترجمان مشهور رباعیات خیام استناد کرده‌اند که خیام در مقام شاعر، نه‌تنها در سرزمین عثمانی، بلکه در موطن خود ایران نیز شخصیتی ناشناخته و گمنام بوده است! (نک: همانجا). ازجمله از دانش (ص ۸۴) نقل کرده‌اند که از قول ادوارد براون نوشته است که خیام اگرچه در جهان غرب شاعری مشهور بود، اما در ایران تنها در مقام منجم و ریاضی‌دان آوازه داشت، نه شاعر. شگفت آنکه دانش (۱۴۰۰: ۷۱) دربارهٔ تأثیر خیام بر شاعران عثمانی معتقد بود که در ادبیات

ترکیه جز عمر نفعی، شاعر قصیده‌سرای معروف سدهٔ یازدهم، شاعر دیگری نبود که خیام را بشناسد و از او پیروی کند و یا به سبک و سیاق او شعر بسراید! حال آنکه چنانکه پیشتر اشاره شد شاعران بسیاری از خیام پیروی کردند. جوشکن همچنین ضمن استناد به مقدمهٔ عبدالله جودت که معتقد بود ترکان تنها کسانی نبودند که خیام را نمی‌شناختند، بلکه ایرانیان نیز از او بی‌خبر بودند، حکایتی را نقل کرده که جودت از قول براون دربارهٔ خاطرهٔ مظفرالدین شاه در سفر به لندن نوشته است که چون عده‌ای از شیفتگان خیام از پادشاه درخواست می‌کنند که بر مزار خیام در نیشابور بنایی ساخته شود، مظفرالدین شاه با شگفتی می‌گوید عمر خیام کیست؟! (ص ۴۰)؛ اما نکتهٔ مهمی که این پژوهندگان آن را نادیده انگاشته‌اند این است که هم دانش و هم جودت خلافِ برداشت این منتقدان و مخالفان خیام، از کوتاهی ایرانیان و ترکان در حق خیام متأسف بودند و برای جبران همین کوتاهی بود که به معرفی خیام و رباعیات او پرداختند. چنانکه جودت ضمن انتقاد صریح از ناآگاهی ایرانیان دربارهٔ نابغه‌ای چون خیام سخت متأسف بود که ایرانیان تا کنون نتوانسته‌اند کتابی شایستهٔ خیام بنویسند و به همین دلیل جودت و دانش به ترجمهٔ رباعیات خیام روی آوردند.

ازآنجاکه نخستین مترجمان رباعیات خیام به ترکی در قلمرو عثمانی، ایرانی‌تبار بودند، برخی عبدالله جودت را پیشگام خیام‌شناسی در ترکیه در سدهٔ بیستم میلادی و ترجمهٔ او را نخستین ترجمهٔ رباعیات در ترکیه معرفی کرده‌اند (Coşkun, 2013: 9) و برای اثبات آراء خویش به نظرات چهره‌های مطرح ادبیات ترک نظیر حسین جمیل مریچ (درگذشت: ۱۹۸۷م)، نویسنده و اندیشمند بزرگ ترک، استناد کرده‌اند که مترجمان رباعیات خیام را روشنفکرانی فریفتهٔ غرب و مروّج سبک زندگی غربی می‌دانستند (148 ,155 :1999؛ Coşkun, 2013: 2) و یا با استناد به نبودن نام خیام در آثار چهره‌های برجستهٔ عصر تنظیمات مانند ابراهیم شناسی (درگذشت: ۱۸۷۱م)، نامق کمال (درگذشت: ۱۸۸۸م) و ضیا پاشا (درگذشت: ۱۸۸۰م) و سکوت بسیاری از ادیبان و پژوهشگران سدهٔ بیستم میلادی مانند توفیق فکرت (درگذشت: ۱۹۱۵م) از چهره‌های نامدار ادبیاتِ ثروت فنون[۱]، احمد هاشم (درگذشت: ۱۹۳۳م) شاعر و از پیشگامان سمبولیسم در ادبیات ترک و فؤاد کوپرولو (درگذشت: ۱۹۶۶م) سیاستمدار و تاریخ‌شناس برجستهٔ ترک و نیز استناد به آرای بدیع‌الزمان سعید نورسی (درگذشت: ۱۹۶۰م)، از پیشگامان اندیشهٔ نوین اسلامی، دربارهٔ بدعت گذاری عمر خیام، ابن‌سینا، ابن‌رشد، فارابی و شهرستانی (736 -734 :2006) و یا استناد به موضع‌گیری

۱. ثروتِ فنون، جریانی ادبی در عثمانی که نام خود را از مجله‌ای به همین نام گرفته است.

علی نهاد تارلان (درگذشت: ۱۹۷۸م) شاعر و تاریخ شناس ترک در مقدمه بر ترجمهٔ احسان حمامی‌زاده (۱۹۶۶: ۴) که رباعیات خیّام را بسیار سطحی ارزیابی کرده، بر آن هستند که آموزه‌های خیّام مخالفان بسیاری داشته است. یکی دیگر از قرائن عجیبِ مخالفت ایرانیان و ترکان با خیام از دیدگاهِ جوشکین این است که مدخل عمر خیام در دایرةالمعارف اسلام به قلم مینورسکی شرق‌شناس روسی نوشته شده است، نه یک ایرانی یا ترک! (برای آگاهی بیشتر، نک: Coşkun, 2013: 9- 15).

چنانکه پیشتر اشاره شد، بر خلاف نظر کسانی چون مریچ، نورسی و جوشکین خیام و شعر او نه تنها در شعر دورهٔ عثمانی، بلکه پس از اعلام جمهوری نزد فرهیختگان و نواندیشان ترک نیز از محبوبیت فراوانی برخوردار بود (برای آگاهی بیشتر، نک: Andi, 1999: 14- 29). از آن جمله باید از ضیا پاشا، مترجم، نویسنده، شاعر و تاریخ‌نگار عثمانی یاد کرد که اگر چه، چنانکه جوشکین یادآور شده، در مقدمهٔ منظوم خود (با عنوان «احوال شعرای ایران») بر کتاب خرابات، سفینه‌ای متضمن اشعار شاعران ترک و ایرانی و عرب (۲۱۱- ۲۱۷)، از خیام در شمار شاعران نامدار ایرانی نام نبرده، اما در جلد دوم خرابات، ضمن درج ۳۷۴ شعر فارسی در قالب‌های مختلف، چند رباعی نیز از خیام آورده است (نیز نک: Aydin, 2015: 163). کوپرولو نیز در کتاب ادبیات امروز[1] (1924: 271) ضمن بیان مطالبی دربارهٔ ادبیات ایران و معرفی ترجمهٔ دانش، به شهرت خیام در میان علما و ادبای عثمانی اشاره کرده و نوشته است که از آن رو نام خیام در تذکره‌های ترکی نیست که شاعران عثمانی از سدهٔ ۱۰ق/ ۱۶م با رباعیات و اندیشه‌های خیام آشنایی داشتند و چنان بر زبان فارسی تسلّط داشتند که رباعیات خیام را به زبان اصلی می‌خواندند و می‌فهمیدند، بنا بر این دیگر نیازی به ترجمهٔ رباعیات خیام نداشتند. نهاد سامی بانارلی[2] (درگذشت: ۱۹۷۴م)، نویسندهٔ معاصر ترک، نیز ضمن اشاره به ترجمهٔ دانش و توفیق، به‌ویژه به مناسبت انتشار ترجمهٔ یحیی کمال بیاتلی، فضای بیشتری را در کتاب خود تاریخ ادبیات مصور ترکیه[3] به خیام اختصاص می‌دهد و علی نهاد تارلان (درگذشت: ۱۹۷۸م)، شاعر و تاریخ‌نگار ترک، در مقدمه بر ترجمهٔ رباعیات خیام به قلم حمامی‌زاده در ۱۹۶۶م و عبدالباقی گولپینارلی در کتاب رباعیات خیام ضمن اشاراتی به خیام، شماری از ترجمه‌های رباعیات را معرفی می‌کنند و سرانجام، احمد نجیب فاضل (درگذشت: ۱۹۸۳م) شاعر و رمان‌نویس و نظریه‌پرداز اسلامی ترکیه خیام را از بزرگترین شاعران ترانه‌سرا می‌نامد.

1. *Bugünkü Edebiyat*
2. Nihad Sâmi Banarlı
3. Resimli Türk Edebiyatı Tarihi

کتابنامه

جعفری جزی، مسعود. (۱۴۰۰). خیام نیشابوری، زندگی، افکار و رباعیات. ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی. تصحیح و تدوین مسعود جعفری جزی. تهران: انتشارات نیلوفر. مقدمه.

دانش، حسین؛ توفیق، رضا. (۱۴۰۰). خیام نیشابوری، زندگی، افکار و رباعیات، ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی. تصحیح و تدوین مسعود جعفری جزی. تهران: انتشارات نیلوفر.

رئیس‌نیا، رحیم. (۱۳۸۲). ایران و عثمانی در آستانهٔ قرن بیستم. تبریز: انتشارات ستوده.

ریاحی، محمد امین. (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: انتشارات پاژنگ.

مفتاح، الهامه و وهاب ولی. (۱۳۷۴). نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرافضلی، سیدعلی. (۱۴۰۰). رباعیات خیام و خیامانه‌های پارسی. تهران: انتشارات سخن.

Akın, Hüsrev. (2010). ''II. Meşrutiyet Döneminde Kısa Ömürlü Bir Dergi: Hiyâbân''. *Turkish Studies*. Vol. 5/1.

Andi, M. F. (2000). ''Müstecâbizâde İsmet'in Müntehab Rubâiyyât-I Hayyâm Tercümeleri Adlı Eseri''. *İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyati Dergisi*. 29, 1- 12.

Andi, M. Fatih. (1999). "Türkçe'de Rubâiyyât-i Hayyâm Tercümeleri". *İlmî Araştırmalar*. 7, İstanbul. s. 9-29.

Avcı, İsmail. (2016). ''Mehmed Bahâeddin'in Hayyam'dan Serbest Tarzda Yaptığı Manzum Rubai Çevirileri''. *Sosyal ve Beşeri Bilimler Araştırmaları Dergisi*. vol. 17, 38.

Aydin, Şadi. (2015).''Ziya Paşa'nın Harâbatında Şiirri ve Farsça Söyleyen Şairler''. *Nusha*. C.15. 41: 159- 170.

Azmi-zâde Hâleti. (2003). *Dîvân*. Haz. Bayram Ali Kaya. (2003*)*. Harvard Üniversitesi. Cambridge.

Çalka, Mehmet Sait. (2015). "Divan Şairlerinin Gözüyle Fars Şairi Ömer Hayyâm". *Osmanlı Mirası Araştırmaları Dergisi*. 2/4, 30-40.

Çalka, Mehmet Sait. (2017). ''Bir Şairnâme Örneği Olarak Süheylî'nin Gülşen-i Şuarâ Adlı Kasidesi ve Bu Kasidede Yer Alan Türk, Arap ve Fars Şairleri''. *SUTAD*. (42): 273-30.

Cevdet, Abdullah. (2000). "Rubâiyât-ı Hayyam ve Türkçeye Tercümeleri". *Ömer Hayyam Rubailer*. haz. Mehmet Kanar. İstanbul: Deniz Kitabevi, 1-182.

Çiftci, H. (2004). ''Hayyamin Türkçe'ye çevrilmiş Rubaileri Içinde Başka Şairlere Ait Rubailer (Yahya Kemal ile Sabahattin Eyuboglu Cevirleri)''. *Name-I Aşina*. 6 (17- 18), 43- 64.

Coşkun, Menderes. (2013). ''Oryantalizmin 19. Asırda İslam Tarihine Kazandırdığı Bir Şahsiyet: Ömer Hayyâm''. *SDÜ Fen Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi*. 28, 1- 16.

Eşref Paşa. (2006). *Dîvân*. Haz., Gülçin Tanrıbuyurdu. Yayımlanmamış Yüksek Lisans Tezi. Kocaeli Üniversitesi, SBE. Kocaeli.

Fehîm-i Kadîm. (1991). Haz. Tahir Üzgör. Ankara: AKM Yayınları.

Gibb, E. J. W. (1998). *Osmanlı Şiiri Tarihi* (trc. Ali Çavuşoğlu). Ankara. I-II, 73.

Hâzık Mehmed Efendi. (1992). Haz. Hüseyin Güfta. Yayımlanmamış Tezi. Atatürk Üniversitesi. SBE. Erzrum.

Köprülü, M. Fuad. (1924). *Bugünkü Edebiyat*. İstanbul.

Mahmûd Celâleddin Paşa. (2003). Divan. Haz. Ceylan, Ömür. Ankara: Açağ Yayınları.

Meriç, Cemil. (1999). *Bu Ülke, İletişim*. İstanbul.

Mermer, Ahmet. (2003). ''Hayyam ve Rubâilerinin Türk Edebiyatina Yansımları''. *Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Velî Araştırma Dergisi*. 26, 235- 242.

Mezâkî. (1991). *Divan*. Haz. Ahmet Mermer. AKM Yayınları, Ankara.

Nahifi Süleyman Efendi. (1992). *Divan*. Haz. İrfan Aypay. (1992). Konya.

Nef'i, Ömer, *Divan*. (1993). Haz. Metin Akkuş Ankara: Akçağ Yayinları.

Neyli, Mirza-zâde Ahmed. (2004). Haz. Atabey Kılıç. Kitabevi Yayınları. İstanbul.

Neylî. (1991). Dîvân. Haz. Adnan Uzun. Yayımlanmamış Yüksek Lisans Tezi. Trakya Üniversitesi. SBE. Edirne.

Nursi, Sai'd. (2006). *Sözler, Söz*, İstanbul.

Sa'id Giray. (2012). *Divân*. Haz. Saadet Karaköse. kültür ve Turizm Bakanlığı Kütüphaneler ve Yayımlar Genel Müdürlüğü.

Şanizâde Atâullah. (2005). *Divan*. Haz. Adviye Çipiloğlu. Yayımlanmamış Tezi. Boğaziçi Üniversitesi. SBE. İstanbul.

Süheyli, Ahmed Bin Hamdem. (2007). *Divâ*n. Haz. M. Esat Harmancı. (2007). Kültür ve Turizm Bakanlığı Kütüphaneler ve Yayımlar Genel Müdürlügü. İznik.

Sünbül-zâde Vehbî. (2012).). Dîvân, haz. Ahmet Yenikale. Kültür ve Turizm Bakanlığı Kütüphaneler ve Yayımlar Genel Müdürlüğü (e-kitap). Kahramanmaraş.

Vahyî, Seyyid. (1917). Haz. Murat Mehmed Sukan. Yayımlanmamış Yüksek Lisans Tezi.

Vahyî, Seyyid. (2004). Haz. Hakan Taş. Kültür ve Turizm Bakanlığı Kütüphaneler ve Yayımlar Genel Müdürlüğü (e-kitap). İstanbul.

Yekbaş, Hakan. (2009). "Divan Şairinin Penceresinden Acem Şairleri". *Turkish Studies*. Vol. 4/2. s. 1151-1152.

Yenişehirli Avnî Bey. (1998). *Dîvân*. Haz. Lokman Turan. Yayımlanmamış Doktora Tezi. Atatürk Üniversitesi. SBE. Erzurum.